



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۰، پائیز ۹۵

بررسی و تحلیل کاربست رهیافت سناریوسازی در آینده روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی دولت یازدهم و اتحادیه اروپا)

علی امیدی^۱، روح‌الله مهدی‌زاده^۲، سیدزکریا محمودی‌رجا^۳

هدف پژوهش حاضر تحلیل و تشریح آینده روابط ایران و اتحادیه اروپا در سیاست‌های اتخاذی دولت یازدهم در قالب رهیافت آینده‌پژوهی است. با روی کار آمدن دولت روحانی و اتخاذ سیاست تعامل سازندهی توأم با اعتدال‌گرایی در داخل و خارج، تحلیل‌گران و اندیشمندان نقطه عطفی را در روابط و مناسبات خارجی ایران مطرح کردند، یکی از مناطقی که در سیاست خارجی دولت یازدهم جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است، اتحادیه اروپاست. از آنجایی که هم جمهوری اسلامی ایران و هم اتحادیه اروپا از بازیگران مهم نظام بین‌الملل به حساب می‌آیند، ارتباط متقابل طرفین در بسیاری از موارد تعیین‌کننده است. در این پژوهش تلاش می‌شود بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی به این سؤال اصلی پاسخ دهد که چه سرانجامی می‌توان برای روابط این دو قطب مهم منطقه و بین‌الملل در آینده متصور شد؟ کدام مؤلفه در ارتباطات و مناسبات ایران و اتحادیه اروپا مهم تلقی می‌شود یافته‌های پژوهش در چارچوب آینده‌پژوهی حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران به‌رغم اختلاف نظرهایی که با اتحادیه اروپا بر سر مسائلی چون حقوق بشر، روند صلح خاورمیانه، مسئله هسته‌ای و تروریسم دارد، منافع مشترکی نیز در قالب انرژی و سرمایه‌گذاری خارجی، مدیریت تحولات خاورمیانه و ... برخوردار است از سوی دیگر، اتحادیه اروپا نیز در تلاش بوده است از طریق تعمیق روابط خود با ایران اسلامی و برخی دیگر از کشورهای منطقه، حضور و نفوذ خود را در کل منطقه افزایش دهد؛ به دنبال فرجام مذاکرات فشرده ایران با قدرت‌های برتر جهان در رابطه با مسئله هسته‌ای (برجام) بستر لازم برای تعامل، بهبود و توسعه روابط طرفین فراهم‌شده است.

واژگان کلیدی: برنامهریزی راهبردی، جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی، سیاست خارجی، دولت یازدهم، برجام، اتحادیه اروپا، آینده‌پژوهی، انرژی، حقوق بشر، سرمایه‌گذاری خارجی، برنامه هسته‌ای

۱- دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان al.omidi@gmail.com (نویسنده پاسخگو)

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان alimehdizadeh65@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران s.z.mahmodi@gmail.com



به‌طور کلی روابط ایران و اتحادیه اروپا در چندین دوره مختلف قابل‌بررسی و ارزیابی است: مرحله اول، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا اوایل دهه ۱۹۹۰ را شامل می‌شود با توجه به اینکه اساساً تقابل با غرب یکی از وجوه انقلاب اسلامی به شمار می‌آید در این دوران، مناسبات دو طرف سرد و غیردوستانه بوده و فضای بی‌اعتمادی بر آن حاکم بود. در این دوران بروز برخی موضوعات، نظیر مسئله سلمان رشدی، کلیت روابط دو طرف را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده بود. مرحله دوم، از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا روی کار آمدن دولت آقای خاتمی در سال ۱۹۹۷م (۱۳۷۶) را شامل می‌شود. پس از فروپاشی شوروی، اتحادیه اروپا در یک نظام نوین چندقطبی از آزادی عمل بیش‌تری در سیاست خارجی خود برخوردار شد به نحوی که در بسیاری مواقع با وجود مخالفت و هشدارهای آمریکا سیاست نزدیکی به ایران را در پیش گرفت. البته در این مرحله نیز با وجود برخی تحولات در روابط دو طرف، نظیر تصمیم اتحادیه اروپا برای گفتگوی انتقادی با ایران یا پیروی نکردن از آمریکا در تحریم اقتصادی ایران، پیشرفت چندانی در روابط دو طرف حاصل نشد و کم‌تحرکی در روابط دو طرف تداوم داشت. در مرحله سوم که دوران ریاست جمهوری خاتمی را شامل می‌شود به جهت روی کار آمدن دولتی که سیاست قانون‌گرایی در داخل و تنش‌زدایی در خارج را دنبال می‌کرد انگیزه مضاعفی برای نزدیکی اتحادیه اروپا به ایران فراهم گردید. این امر در کنار علاقه طرف ایرانی برای بهبود روابط خود با اروپا منجر به ارتقای سطح مناسبات دو طرف از لحاظ کیفی و کمی شد اگرچه مسائل حقوق بشر و نوع تعریف از تروریسم مانع از همگرایی کامل شده بود. در دوران احمدی‌نژاد اتخاذ مواضع ساختارشکن و ضد استکباری در برابر غرب و پیگیری مسئله هسته‌ای باعث بی‌اعتمادی غرب به ایران و نزدیکی مجدد اتحادیه اروپا به آمریکا و اجماع جهت اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران گردید. این وضعیت روابط ایران و اتحادیه اروپا را وارد بحرانی دامنه دار نمود. باروی کار آمدن دولت روحانی که حل مسئله هسته‌ای از طریق دیپلماسی اعتمادسازی را اولویت اول خود قرار داده است شاهد رویکرد مثبت اتحادیه اروپا به ایران هستیم به‌ویژه آنکه دولت جدید سیاست تنش‌زدایی را اصل اول سیاست خارجی خود اعلام کرده است. در مقاله حاضر تلاش می‌شود به این سؤال اصلی پاسخ دهد که چه سناریویی می‌توان برای آینده روابط پرتنش ایران پس از انقلاب با اتحادیه اروپا متصور شد؟ در پاسخ نویسنده فرض را بر آن می‌گیرد که باروی کار آمدن دولت حسن روحانی و مبنای قرار دادن تنش‌زدایی توأم با اعتدال، یکی از مناطقی که از این سیاست‌ها به‌خوبی استقبال کرده است، اتحادیه اروپاست از سوی دیگر نیازهای اغلب کشورهای این اتحادیه خصوصاً فرانسه، ایتالیا، آلمان، اتریش در وضعیت بحرانی رکود و تورم هستند که برای خروج از این شرایط ایران با دارا بودن بازاری قوی، داشتن منابع طبیعی و خام فراوان به بهترین نحو ممکن می‌تواند نیاز آن‌ها را برآورده کند از سوی دیگر به دنبال همراهی کشورهای اتحادیه اروپا در تحریم‌های همگانی جهان علیه ایران، فشار سنگینی بر ساختار اجتماعی اقتصادی ایران وارد گردیده است از این‌رو طرفین برای تعامل و ارتباط با همدیگر تشویق می‌شوند.

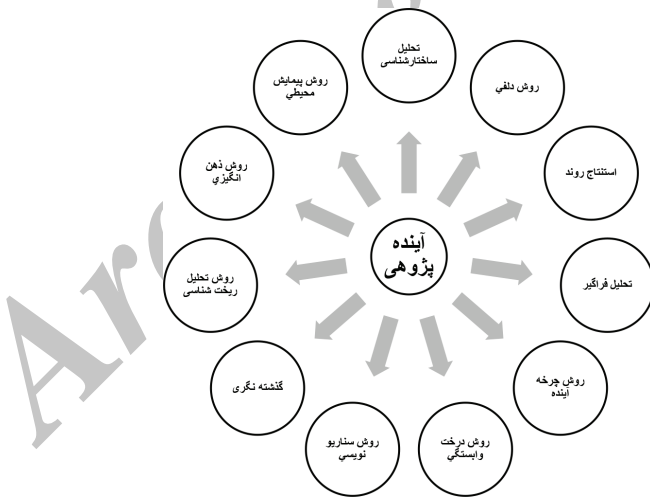
۲- چارچوب نظری پژوهش:

دستیابی به آینده‌ی مطلوب یا به عبارتی سوق دادن جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب همواره یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های عالمان علم سیاست و سیاست‌گذاران بوده است. آینده‌پژوهی به منزله‌ی یک حوزه میان‌رشته‌ای، امکان شناسایی رویدادها و روندهای مؤثر در شکل‌گیری تحولات سیاسی و دستیابی به تصویر آینده را فراهم می‌کند. اگرچه همیشه «آینده‌پژوهانی» وجود داشته‌اند که به آینده و شیوه‌های بهتر درک تغییر می‌اندیشیده‌اند، ولی زمان شکل‌گیری رشته «آینده‌پژوهی» که ماهیتی به‌شدت

«بین‌رشته‌ای» دارد، در خلال جنگ جهانی دوم و دوران پس‌از آن بود (محمودی و عباسی، ۱۳۸۴: ۴). با پدید آمدن و تثبیت حوزه‌ی آینده‌شناسی در اروپا، آینده‌پژوهی در آمریکا آغاز و به سرعت رشد کرد (اکرامی، ۱۳۷۶: ۷۰). اگرچه آینده‌پژوهی صرفاً یک مفهوم بار معنایی و سطح تحقق‌پذیری است لیکن راهبردی را نمایان می‌سازد که بر پایه‌ی میزان شناخت و تحلیل از زمان قرار دارد (حمیدی زاده، ۱۳۹۰: ۸۲). آینده‌پژوهی، در پیچه‌ی ورود ما به آینده و معرفتی است، توانایی انتخاب‌های هوشمندانه‌ی جامعه و مردم را افزایش می‌دهد و به همگان اجازه می‌دهد تا بدانند که به کجاها می‌توانند بروند (آینده‌های اکتشافی) به کجاها باید بروند (آینده‌های هنجاری) و از چه مسیرهایی می‌توانند با سهولت بیشتری به آینده‌های مطلوب خود برسند (آینده‌های معطوف به آینده‌سازی). در حقیقت، آینده‌پژوهی، دانش «شکل بخشیدن به آینده» به گونه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه است؛ همان دانش و معرفت سترگی که می‌تواند بذر رؤیایا، آرزوها و آرمان‌های نجیب و اصیل یک فرد، سازمان یا ملت را بارور کند (ملکی فر، ۱۳۸۶: ۱۴۱). به تعبیر وندل بل^۴، آینده‌پژوهی به دنبال مطالعه‌ی نظام‌مند، کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است؛ از این رو انتخاب‌های مختلفی را راجع به آینده پیش روی افراد و سازمان‌ها قرار می‌دهد و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کند (Bell, 2003: 73) سهیل عنایت‌الله معتقد است علاوه بر مطالعه‌ی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب، آینده‌پژوهی به دنبال شناسایی جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌هایی است که به هر آینده‌ای شکل می‌دهد (Inayatullah, 2008: 1, 5)...

این رهیافت در پی پاسخ به دو سؤال اساسی زیر است:

- ۱- ادامه وضعیت جاری تداوم سازوکارهای کنونی، چه تبعات و عواقبی خواهد داشت؟
- ۲- آینده مطلوب چیست و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟ به عبارت دیگر چگونه می‌توان فرصت‌های پیش رو را شناخت و از آن‌ها استفاده کرد؟ (پایا، ۱۳۸۳: ۱۲). رایج‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی عبارت‌اند از:



(اسکاول: ۱۳۸۴).

در ذیل به معرفی و توضیح چهار روش که بیشترین کاربرد را در تحولات سیاسی دارند، می‌پردازیم: **۱) روش دلفی:** دلفی یکی از رایج‌ترین و شناخته‌شده‌ترین روش‌های آینده‌نگاری است. عنوان این روش برگرفته از نام معبد معروف در شهر دلفی یونان است چراکه کاهنان آن شهر در گذشته، آینده را



پیش‌بینی می‌کردند. روش دلفی به‌منظور برقراری یک تعامل صحیح بین نظرات واقعی افراد طراحی شده است. دلفی از جمع‌آوری نظرات کارشناسان در دفعات متعدد با استفاده از متوالی از پرسشنامه‌ها به دست می‌آید و برای نمایاندن همگرایی نظرات و تشخیص اختلاف عقیده‌ها یا واگرایی آراء به کار می‌آید. هر تکرار، یک دوره را تشکیل می‌دهد. درواقع، پرسشنامه وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و اثرگذاری کارشناسان بر یکدیگر است. ایده اصلی این روش آن است که پاسخ‌دهندگان بتوانند بدون آنکه تحت تأثیر افراد مشهور و یا معتبر با افرادی که از توان سخنگویی بالایی در جلسات برخوردارند قرار بگیرند، از دیدگاه‌های دیگران استفاده کنند. در روش دلفی، بابتی اثر ساختن توان سخنوری اشخاص، همه‌ی نظرات غیرمعمول برای تحلیل بعدی به‌طور یکسان به اعضای گروه برگردانده می‌شود (بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۵).

روش دلفی رامی‌توان به‌سادگی به‌عنوان یک تکنیک ذهن‌انگیزی یا مشکل‌گشایی گروهی ساختار یافته در نظر گرفت که به‌تناوب در آینده‌نگری‌های ملی و سیاسی مورداستفاده قرار می‌گیرد و دربرگیرنده پرسش‌هایی از کارشناسان به‌وسیله گردش متوالی یک پرسشنامه است که برای کارشناسان جهت بیان نظراتشان به کار می‌رود. نتیجه هر دور از جمع‌آوری نظرات با استفاده از روش‌های کمی و کیفی تحلیل می‌شود. نظرات افراد مخالف با نظرات غالب، باید دلایل متقن و معنی‌داری داشته باشد. فرض اولیه از تکنیک مرسوم دلفی این است که همراهی و هم‌نظری بین گروهی از کارشناسان راهنمای بهتری نسبت به وضعیت نظرات منفرد است (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۵).

۲) تحلیل علی لایه‌ها: یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است که سهیل‌عنایت‌الله آن را ابداع کرده و توسعه داده است. هدف از پیاده‌سازی تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها ساخت شکنی پدیده‌های اجتماعی و رسیدن به درکی عمیق از لایه‌های زیرین مسائل و مشکلات است. پس از آشکار شدن لایه‌های مختلف پدیده‌ها و قرار گرفتن متن در بافت نوبت به تدوین و ارائه سناریوهای بدیل آینده می‌رسد. در تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها حالت‌های مختلف دانستن اعم از علمی - تجربی، تفسیری - تأویلی و فلسفی - انتقادی یکپارچه می‌شوند. کاربرد این روش هنگام سیاست‌گذاری عمومی و درازمدت نهایتاً منجر به تهیه بینش‌های جامع‌تر، ژرف‌تر و اثربخش‌تر می‌شود (Inayatullah, ۱۹۹۸: ۶۵۲). تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها از چهار سطح تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از: لیتانی، علت‌های اجتماعی، جهان‌بینی و گفتمان مسلط و نهایتاً اسطوره - استعاره. الف) سطح اول لیتانی نام دارد که در فرهنگ مسیحی به معنی مراسم دعا و مناجات دسته‌جمعی است. لیتانی سطحی‌ترین لایه بوده و معرف دیدگاه رسمی و پذیرفته‌شده از واقعیت است. ب) سطح دوم سطح علت‌های اجتماعی و معرف دیدگاه سیستمیک است. در این سطح داده‌های سطح لیتانی توضیح داده‌شده و مورد سؤال قرار می‌گیرند. ج) سطح سوم نمایانگر جهان‌بینی و گفتمان است. در این سطح فرض‌های استدلالی که بر بستر جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها قرار داشته و ناخودآگاه هستند واکاویده می‌شوند. د) سطح چهارم نشانگر اسطوره‌ها و استعاره‌هاست. این سطح درواقع معرف ابعاد انگیزشی ناخودآگاه موضوع است. چالش اصلی کاربرد روش تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها حرکت بالا به پائین و پائین به بالا در بین این چهار سطح است. ویژگی برجسته روش تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها این است که با تردید و شکاکیت درباره علت اصلی آغاز می‌شود. به هر صورت چه در آغاز و چه در انجام آینده در معرض سؤال و پرسش قرار می‌گیرد. در این روش برخلاف روش‌هایی مانند "برنامه ریزی بر پایه سناریوها"، "پس‌نگری از آینده به امروز" و "تحلیل موضوعات نوپدید"، برگسترش افقی فضای آینده‌ها کمتر تمرکز می‌شود. درواقع کانون تمرکز این روش گسترش عمودی فضای آینده یا همان لایه‌های زیرین و ضمنی پدیده‌هاست (Inayatullah, ۲۰۰۸: ۵-۸).

روش تحلیل روند: این روش به انعکاس روندهای گذشته به آینده در دوره‌های زمانی معین می‌پردازد. در این روش فرض بر این است که آینده تعمیمی از گذشته و حال است. هرچند گاهی اوقات یک اشتباه



بسیار آشکار در تحلیل روند به وجود می‌آید و آن استنتاج به صورت خطی است که تعداد کمی متغیر را در محاسبه وارد می‌کنند. یک پیش بینی می‌تواند با مشاهده یک متغیر در طول زمان در ویژگی و خصوصیات یک پدیده و انعکاس آن و استنتاج این متغیر در آینده صورت گیرد. در چنین پیش بینی تمرکز روی روند بلند مدت است و بنابراین نوسانات کوتاه مدت در نظر گرفته نمی‌شود. در این روش پیش بینی کننده باید از عوامل مؤثر در ایجاد و تغییر در گذشته مطلع باشد و نسبت به تأثیر این فرآیند روی وضعیت سیستم به همان سبک و شیوه در آینده اطمینان داشته باشد. راهکاری که عمدتاً برای این منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد استفاده از منحنی رشد است (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۸). هدف از این تکنیک، بررسی یک روند و شناسایی ماهیت، علل، سرعت توسعه و اثرات بالقوه ی آن روند می‌باشد. روندها، الگوهای تغییر در پدیده ها و الگوها هستند که در طول زمان به وقوع می‌پیوندند.

۴) توسعه و تحلیل سناریو: سناریو پیش بینی قطعی و دقیق جهان آینده نیست، بلکه توصیفی از رویدادهای ممکن و چندانگانه است که امکان وقوع آن‌ها در آینده وجود دارد. به بیان دیگر، سناریوها آمیزه‌های از پیش بینی‌های تخیلی و درعین حال واقع گرایانه از رخدادهای احتمالی آینده هستند. با استفاده از سناریوها می‌توان درباره آنچه بعدها باید انجام داد، به طور جدی اندیشید. در مواردی شاید بخواهیم از چندین رخداد جلوگیری کنیم، در مواردی دیگر شاید بخواهیم تمهیداتی برای وقوع آن‌ها بیندیشیم و در مواردی هم شاید بخواهیم که وقوع آن‌ها را تسریع نماییم (۸-۶: Fahey, ۱۹۹۸). به صورت تخصصی می‌توان گفت که سناریو داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده نظر دارد ((Ringland, ۱۹۹۸: ۱۳)). سناریو، چهره آینده است. پیش‌گویی نیست، هدف سناریوسازی، گسترش تفکر در مورد آینده و عریض تر کردن طیف بدیل‌هایی است که می‌تواند مورد نظر ما باشد (Porter, ۱۹۸۵: ۳۷) میشل گوده در کتاب «توصیف آینده‌های ممکن و مسیرهای متناسب برای رسیدن به آن» سه هدف برای روش سناریونویسی ارائه می‌کند:

۱) کشف موضوعات فوری و اضطراری برای مطالعه،

۲) مشخص کردن بازیگران اصلی و راهبردهای آن‌ها،

۳) توصیف روند تکاملی از طریق در نظر گرفتن محتمل ترین مسیر تکاملی و استفاده از مجموعه مفروضات موجود در بازیگران سناریو (به نقل از محمودی و عباسی، ۱۳۸۴: ۱۶). سناریو نگاری راه‌حلی موقت برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های ممکن و محتمل است؛ تمرکز اصلی سناریو نگاری، چگونگی توسعه محیط فعالیت بیرونی یک سازمان با توجه به محیط درونی آن در آینده است (Porter, ۱۹۸۵: ۳۶-۳۸). مقصود از تعریف سناریوها فقط انتخاب یک آینده مطلوب و آرزوی به حقیقت پیوستن آن یا پیدا کردن محتمل ترین آینده و سعی در تطبیق با آن نیست بلکه قصد اصلی سناریو نگاری، اتخاذ تصمیم‌های استراتژیک است که برای همه آینده‌های باورکردنی به اندازه کافی خردمندانه و پابرجا باشد. اگر هنگام تدوین سناریوها تفکر جدی صورت بگیرد، آنگاه مهم نیست که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد زیرا دولت یا شرکت و سازمان در مقابل هر اتفاقی آماده است و می‌تواند بر مسیر اتفاقات آینده تأثیرگذار باشد و همچنین در سناریو نگاری تلاش می‌شود بر اساس فهم دلالت‌های انتخاب‌های امروز، راه‌های تأثیرگذاری بر پیامدهای آتی این انتخاب‌ها در آینده کشف شود (آقا قزوینی، ۱۳۹۱: ۹). سناریو نگاری در واقع، روشی برای کمک به رهبران و مدیران هنگام تفکر درباره آینده است یا رویدادهایی که شاید در آینده باعث دگرگونی و تحول اساسی دولت، سازمان و کسب‌وکار می‌شوند در کانون توجه رهبران و مدیران قرار می‌گیرند و این روش برای شناخت آگاهی از محدودیت‌های ادراکی، شناختی رهبران و مدیران، هنگام شناخت محیط پیرامون و تفکر درباره آینده‌های بدیل و درنهایت در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مفید واقع می‌شود (اساکول، ۱۳۸۴: ۸۴). این روش مهم‌ترین روش موجود برای درک بهتر روابط سیاسی



اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در دولت حسن روحانی است که سعی می‌کند با ارائه درک‌های متفاوتی از نتایج تصمیم‌گیری، خطاهای مربوط به تصمیم‌گیری را کاهش دهد و همچنین وضعیت موجود را ترسیم نموده و سناریوهای روابط ایران و اتحادیه اروپا را در سال‌های آتی مشخص سازد.

۳- مفهوم شناسی پژوهش:

۳-۱- مؤلفه‌های کلیدی سناریوسازی:

سناریوسازی یک روش کیفی و وابسته به فرینه‌های توصیفی است که جریان تحولات از حال تا آینده را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، سناریوسازی ارتباط مستقیم با تفکر استراتژیک دارد و نه با برنامه‌ریزی استراتژیک. سناریوسازی با کیفیت تفکر مرتبط است. در حال حاضر ما با شرایط زمان حال دنیا را می‌نگریم و تحت تأثیر اتفاقات اطراف خود، مسائل را می‌سنجیم، نگرش ما به دنیا یک «نگرش شرطی» است که به مبنای فرهنگی ما وابسته بوده که خود دید ما را نسبت به آینده محدود می‌سازد. بدین ترتیب هدف اصلی نگرش سناریو، شکستن محدودیت‌ها است (مهدی زاده، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۷). به طور کلی اغلب اندیشمندان معتقد به این رهیافت بر این اعتقادند چهار دلیل برای خطاهای غیرمنتظره تصمیم‌گیری وجود دارند که سناریو می‌تواند این خطاها را به حداقل برساند:

الف) سناریو و موضوع عقلایی محدود: سناریو می‌تواند محدودیت‌های موضوع عقلایی محدود را کم نماید. در علوم شناختی ثابت شده است که اطلاعات به یادآوردنی و باز یافته شده از حافظه بیشتر قابل اجراست تا اطلاعاتی که در ضمیر ناخودآگاه انسان موجود است؛ بنابراین هر چیزی که اطلاعات را بیشتر به یادآوردنی نماید، احتمال بیشتری دارد که معنا و مفهوم بیشتری بیابد (Swap, ۲۰۱۰: ۱۰۳). به همین دلیل اگر سناریو دارای نام روشن و به یادماندنی باشد، از احتمال و شانس بیشتری برای استفاده از آن در تصمیم‌گیری و اجرا در سازمان وجود دارد. مطالعات مربوط به آینده اکثراً آن قدر غیردقیق و پیچیده است که نمی‌توان آن را به صورت جدول و منحنی نشان داد (Schwartz, ۱۹۹۹: ۲۴۸). به صورت کلی انسان‌ها تمایل بیشتری به درک موضوعات از طریق روش‌های ساده‌تر که در ذهن بیشتر ماندگار است دارند. در یک نظرسنجی از دانشجویان رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه استنفورد، آنان آگهی‌هایی که بیشتر حالت روایی و داستانی را داشته و در عین حال اطلاعات به مشتری منتقل می‌نماید را به آگهی‌هایی که اطلاعات را از طریق اعداد و یا جدول و منحنی می‌خواهد منتقل نماید ترجیح می‌دادند (Martin, ۱۹۸۲: ۳۴۲).

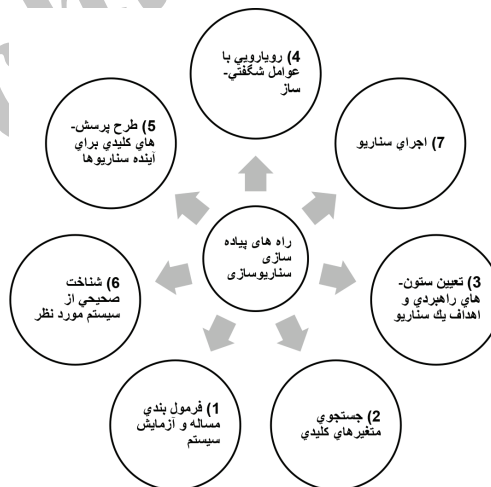
ب) سناریو و متغیرهای خارجی: سناریوسازی مبتنی بر نگاه سیستمیک به سازمان است. با تفکر سیستمی بسیاری از وقایع ناهنگام نسبتاً قابل پیش‌بینی هستند. به طور مثال می‌توان یک شمایی از جریان تجارت در ۵۰ سال آینده را ترسیم نمود. تفکر سیستمیک بر تعامل متغیرهای خارجی و داخلی برای تغییر سیستم متمرکز می‌شود. هدف و غایت این است که خود را برای طیف وسیع‌تری از حوادث آماده‌سازیم و روابط انسانی را تفسیر نماییم تا هر آنچه برای دیگران بحران محسوب می‌گردد برای ما قابل توجه باشد و قدرت تطابق با واقعیت‌ها را به دست آوریم. ارتباط تئوری سیستم با برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو مورد توجه صاحب‌نظران بوده است. تفکر سیستمیک سازمان را دارای مرز می‌داند و همان‌طور که به نیروهای خارجی توجه دارد، به متغیرهای داخلی نیز نظر دارد. به همین منوال در هر موضوع، متغیرهای داخلی و خارجی را کاملاً در نظر می‌گیرد. روش‌هایی مانند مصاحبه، تحلیل داخلی، گروه‌های داخل سازمان و افراد تأثیرگذار همگی ما را از تمرکز تنها بر متغیرهای خارجی اجتناب می‌دهند (مهدی زاده، ۱۳۹۴: ۸۴).

ج) سناریو، چسبندگی و اصطکاک: برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو ابزاری است که هزینه انتقال اطلاعات را کاهش داده و اصطکاک مابین تصمیم‌گیران سازمان‌های دانا را افزایش می‌دهد. به لحاظ



نظری اگر هزینه انتقال اطلاعات کمتر شود، تصمیم می‌تواند مؤثرتر و با بازدهی بیشتر اتخاذ شود. با افزایش اصطکاک مابین تصمیم گیران انسانی، خطاهای کوچک ممکن است مشهود و جلوی آن‌ها گرفته شود و همچنین ابعاد جدیدی از موضوع مورد تصمیم فاش شود. در بخشی از برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو برای افراد داخل سازمان جلسات مشترکی را باید ترتیب داد تا نظریات دقیق و فنی خود را مطرح نمایند. این نظرات به تدریج به یکدیگر نزدیک می‌شود و در عین حال مجال بروز ظرفیت‌های سازمان پیدا می‌شود. یکی از انواع چنین همگرایی به نام گفتگوی استراتژیک نام دارد (سنگه، ۱۳۸۳: ۵۲۵). سناریو همچنین می‌تواند تصمیم گیران را کمک کرده تا از مزیت‌های اصطکاک لازم برای تصمیم‌گیری تخصصی در سازمان استفاده نمایند؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، ساختن سناریو از لحاظ مقدار زمان پروسه طولانی است و در این زمان طولانی مدیران عالی، رؤسا و مدیران میانی در تعامل با یکدیگر باید باشند. این تعامل در تصمیم‌گیری که نام دیگر آن می‌تواند اصطکاک باشد، باعث می‌شود که نیروهای خارج سازمان و جهت و مقدار آن‌ها کاملاً شناسایی گردند. در صورتی که اگر یک نفر تنها می‌خواست تصمیم بگیرد، ممکن بود که این نیروها را نتواند شناسایی نماید. در گفتگوی استراتژیک، هایدن از افراد قابل توجه در سازمان سخن می‌گوید. افراد قابل توجه آن دسته از کارشناسانی هستند که تنها در یک ارتباط عادی با سازمان نیستند، بلکه آن‌ها بینش سازمان را افزایش داده، از ایجاد پدیده فکر گروهی جلوگیری می‌نمایند و به جمع‌آوری اطلاعات در سازمان و پردازش آن کمک می‌نمایند و نهایتاً باعث افزایش اصطکاک و تعامل مابین اعضای گروه برنامه‌ریز می‌شوند (Schwartz, ۱۹۹۹: ۱۴۵).

د) سناریو و مدل‌های ذهنی، نقشه شناختی، سیاست‌ها و مفروضات تصمیم: یکی از اهداف جانبی سناریو نویسی آن است که مدل ذهنی مدیران و تصمیم گیران سازمان را آشکار و در صورت لزوم آن را تغییر دهد (سنگه، ۱۳۷۵: ۴۵). با توجه به ارتباط مدل‌های ذهنی و مفروضات تصمیم طبیعی است که با تغییر مدل ذهنی، مفروضات تصمیم نیز عوض خواهد شد. با تغییر مدل ذهنی، سناریو شناخت جدیدی و جامع‌تری از جهان در اختیار تصمیم گیرنده می‌گذارد. سناریوهایی که به شکست منتهی شدند، ممکن است بدان دلیل باشد که آنان مدل ذهنی درستی نداشتند تا نامعلومی‌ها را درست درک نمایند و یا تهدیدات فراروی سازمان را بشناسند؛ اما گام‌های هفت‌گانه پیاده‌سازی روش سناریو از این قرار است:



(ملکی، ۱۳۸۵: ۱۰۶)



۴- روابط ایران و اتحادیه اروپا در چند دهه اخیر:

روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با فراز و فرودهایی روبرو بوده است. اتحادیه اروپایی با انگیزه‌های مختلف نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی و افزایش حجم سرمایه‌گذاری اقتصادی در ایران، توسعه نفوذ در خاورمیانه از طریق جمهوری اسلامی ایران، اثرگذاری بر روند صلح خاورمیانه با استفاده از نفوذ سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران بر گروه‌های فلسطینی، مقابله و مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ایجاد نظام چندجانبه‌گرایی به جای یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل و هم‌زمان با آن ایفای نقش یک قدرت بین‌المللی اثرگذار در کنار ایالات متحده به ویژه پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته است تا روابط سیاسی خود را با تهران گسترش دهد. در برابر اروپا بازیگر مقابل یعنی جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای بهره‌گیری از نفوذ اقتصادی اتحادیه اروپا در اقتصاد و تجارت بین‌الملل، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی اروپا با توجه به نیازهای کشور استفاده از فناوری‌های جدید و دانش نوین اعضای اتحادیه اروپا در مسائل گوناگون، بهره‌گیری از قدرت سیاسی اقتصادی اروپا در مقابل آمریکا و کم‌اثر نمودن فشارهای سیاسی و اقتصادی واشنگتن به ویژه در زمینه‌ی پرونده هسته‌ای، همواره سعی نموده است که روابط خویش با این اتحادیه را گسترش دهد (مهدی زاده، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۵). در ذیل به صورت مختصر به روابط سیاسی - اقتصادی ایران با اتحادیه اروپا در دوره‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازیم؛ روابط ایران و اروپا پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره از فراز و نشیب‌های زیادی برخوردار بوده است که عمدتاً هم از تحولات نظام بین‌الملل و هم از تحولات درونی و ساختاری داخلی کشور ریشه می‌گیرد (فلاحی، ۱۳۸۲: ۷). به رغم این که روابط سیاسی اقتصادی ایران با کشورهای اتحادیه اروپا چه قبل و چه بعد انقلاب از سطح مطلوبی برخوردار بوده است اما جز در مقطع زمانی (۱۹۷۳-۱۹۶۳)، هیچ‌گونه موافقت‌نامه رسمی میان ایران و اتحادیه اروپا به امضا نرسید. به عبارت دیگر ایران تاکنون هیچ نوع رابطه‌ای مبتنی بر قرارداد با کمیسیون اروپا نداشته و این کمیسیون در ایران نمایندگی ندارد (حق‌شناس کاشانی، ۱۳۷۴: ۲۳۹). در چنین بستری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به چهار دوره زمانی تقسیم‌بندی کرد:

۴-۱- دوران دفاع مقدس (۱۹۸۰-۱۹۸۹)

با توجه به اهداف و استراتژی و همچنین ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه جامعه‌ی اروپایی در سیاست خارجی ایران از یک موقعیت باثبات برخوردار نبود. چون ایران در پی گفتمان «آرمان‌گرایی رادیکال» در سیاست خارجی خود بود. در عین حال جایگاه جامعه اروپایی در سیاست خارجی ایران، به یک اعتبار برجسته نبود، زیرا در بین اعضای جامعه اروپایی، یکپارچگی لازم در موضوعات مهم و بحران‌های بین‌المللی وجود نداشت. موضوع ایران یکی از موضوعاتی بود که جامعه‌ی اروپایی در قبال آن موضع واحد و یکپارچه‌ای نداشت، فرانسه از همان ابتدای جنگ به سوی عراق گرایش یافت و تأمین‌کننده تسلیحات عراق شد؛ اما ایتالیا و انگلیس تا حدودی سیاست بی‌طرفی را برگزیدند، آلمان نیز به سوی ایران گرایش یافت (ولی در عین حال تجهیزات نظامی و شیمیایی به عراق ارسال می‌داشت) کشورهای کوچک‌تر در این میان به دنبال حداکثر منافع خود بودند و لذا ایران یا عراق برای آن‌ها تفاوتی نداشت (آقایی، ۱۳۸۶: ۱۸۰). همچنین در روابط ایران با جامعه‌ی اروپایی، نقش ایالات متحده حائز اهمیت بود زیرا جنگ زمانی حادث گردید که نظام بین‌الملل شاهد ساختاری دوقطبی بود که هر یک از دو ابرقدرت، امنیت زیرمجموعه بلوک خود را تأمین می‌نمود (احتشامی، ۱۳۹۱: ۱۶۸).



این باور زمینه‌ساز گرایش آرام و محتاطانه به سمت اروپا در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب بود؛ اما تفاوت دیدگاه‌های دو طرف نسبت به مسائل جهانی، اختلاف آن‌ها در سیاست خارجی و جدائی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی یکدیگر، عاملی بود که از ابتدا زمینه‌ساز فاصله گرفتن ایران از کشورهای غربی از جمله اروپائی شد. این حقیقت در کنار عواملی چون جنگ ایران و عراق و حمایت گسترده دولت‌های اروپائی به‌ویژه فرانسه و انگلیس و آلمان از رژیم صدام، تلقی کشورهای اروپائی از بنیادگرایی اسلامی و از ایده «صدور انقلاب»، گروگان‌گیری اتباع غربی در لبنان و تصرف سفارت امریکا در تهران، مانع از هرگونه نزدیک شدن ایران و اروپا به یکدیگر در سال‌های آغازین انقلاب گردید. اقدام فرانسه در پناه دادن به بنی‌صدر و مسعود رجوی سرکرده سازمان مجاهدین خلق - منافقین - و حمایت ایران از مبارزان شیعه‌ای که در لبنان با حملات شهادت طلبانه خود به انهدام مقرهای نظامیان انگلیسی، فرانسوی، ایتالیائی و آمریکایی می‌پرداختند نیز رخدادهایی بودند که بر تیرگی موجود در روابط تهران با پایتخت‌های اروپائی در سال‌های آغازین حیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران افزودند.

۴-۲- دوران گفت‌وگوهای انتقادی (۱۹۸۹-۱۹۹۷):

جایگاه جامعه / اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی ایران در این دوره نسبت به دوره گذشته چشمگیرتر بوده است. در این دوره یکی از بزرگ‌ترین دل‌مشغولی‌های سیاست خارجی ایران توسعه اقتصادی و توسعه سازه‌های زیر بنایی کشور بود و از آنجایی که این توسعه همچنان در سایه تولید و فروش نفت قرار داشت، مورد توجه کشورهای توسعه‌یافته به‌خصوص اعضای جامعه اروپایی قرار گرفت. از طرف دیگر اتحادیه اروپایی نیز در حال تقویت ساختارهای سیاسی و اقتصادی خود بود تا بتواند نسبت به گذشته همگرایی بیشتری در زمینه سیاسی و امنیت کسب کند. از سوی دیگر بازار حدوداً شصت‌میلیونی ایران که از دیرباز محل نسبتاً خوبی برای اروپاییان بود، اتحادیه اروپایی را علی‌رغم مخالفت‌های آمریکا به‌سوی ایران جلب نمود. به دنبال تجاوز عراق به کویت در دوم اوت (۱۹۹۱)، شرایط جدیدی در منطقه به وجود آمد. موضع جمهوری اسلامی ایران در این بحران توجه کشورهای اروپایی را جلب نمود. در این زمان وزرای خارجه جامعه اقتصادی اروپا برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی راهی ایران شده و مذاکرات مفصلی با طرف ایرانی صورت گرفت. یکی از اهداف این گفت‌وگوها بهبود روابط ایران با جامعه اقتصادی و کشورهای عضو آن بود (خالوزاده، ۱۳۸۵: ۲۱۳). «هانس دیتريش گنشر»^۵ وزیر خارجه آلمان فدرال در اکتبر (۱۹۸۸) و «رولاند دوما»^۶ همتای فرانسوی او در بهمن همان سال به تهران آمدند. برای سفر سال بعد «میتران»^۷ رئیس‌جمهور فرانسه و «داگلاس هرد»^۸ وزیر خارجه انگلیس به ایران نیز برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفت. با وجود امید به بهبودی روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سوابق دیپلماتیک همچنان در وضعیت بدی قرار داشت. روابط با انگلیس به‌واسطه مسئله سلمان رشدی و دیگر مسائل در سطح پایین‌تری قرار داشت. روابط با فرانسه نیز که در سال (۱۹۹۱) رو به بهبودی می‌رفت به دنبال قتل شاهپور بختیار در جولای (۱۹۹۱) در پاریس به سرعت رو به تیرگی گذاشت کشور آلمان نیز حکومت ایران را در سال (۱۹۹۲) متهم به ترور رهبران تبعیدی در قضیه می‌کونوس کرد (مهدی زاده، ۱۳۹۴: ۶۵-۶۸). در مجموع هفت دور گفت‌وگوی انتقادی به ریاست محمود واعظی معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با ریاست‌های دوره‌های اتحادیه

5-Hans-Dietrich Genscher

6-Roland Dumas

7-Mitterrand

8-Douglas Hurd



اروپا در سطح معاون یا قائم مقام وزیر خارجه و با حضور تروئیکای اتحادیه اروپا در پایتخت‌های اروپایی برگزار شد (خالوزاده، ۱۳۸۵: ۲۱۶). مذاکرات اروپایی‌ها با ایران در سال‌های نیمه اول دهه هفتاد با وجود مخالفت آمریکائی‌ها ادامه یافت تا اینکه صدور رأی سیاسی دادگاه برلین راجع به حادثه «میکنونوس»^۹ - مارس (۱۹۹۷) - و تیره شده روابط تهران و اتحادیه اروپا سبب قطع گفت‌وگوهای انتقادی شد. فراخوانی سفرای اروپایی از تهران و سفرای ایران از کشورهای اروپایی هفت ماه تیرگی را بر فضای روابط دو طرف حاکم کرد.

۴-۳- دوران گفت‌وگوهای فراگیر و سازنده: از سال ۱۳۷۷ لغایت ۱۳۸۰:

انتخابات ریاست جمهوری سال (۱۹۹۷) و انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری موجب تغییر نگرش بین‌المللی به ایران و به وجود آمدن فضای مثبت‌تری در روابط ایران و اتحادیه اروپایی شد. سیاست داخلی رئیس‌جمهور جدید که مبتنی بر ایجاد جامعه مدنی قانون‌گرایی و گفت‌وگو بود در تغییر نگرش کشورهای اروپایی تأثیر زیادی داشت به ویژه سیاست خارجی دولت جدید بر اصل تنش‌زدایی مبتنی بود و این می‌توانست برای اتحادیه اروپایی بسیار با اهمیت باشد. همچنین موضع‌گیری اتحادیه اروپا در قبال قانون داماتو و مخالفت با اثرات فرا سرزمینی قوانین تحریم ثانویه اگرچه بیشتر باهدف تأمین منافع کشورهای اروپایی انجام گرفت، اما در تهران ارزیابی مثبتی را نسبت به این کشورها ایجاد کرد، زیرا فضای باز جدیدی را در خروج از فضای تحریم برای ایران به وجود می‌آورد.

بدین ترتیب شرایط بهتری برای رفت و آمدهای سطوح عالی بین مقامات جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا فراهم شد و دو طرف را در مسیر سازمان‌دهی دور جدیدی از گفت‌وگوها با ماهیتی «فراگیر و سازنده» قرارداد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۶ - ۹۴). برگشتن سفرای اروپایی به تهران در پی صدور رأی دادگاه میکنونوس، اقدام عملی در جهت بهبود روابط طرفین در عرصه جدید بوده است؛ در همین راستا، ایران نیز دست به اقداماتی زد تا روند عادی شدن روابط را تسریع بخشد. دیدار خرازی و رابین کوک وزیر خارجه وقت انگلیس در پنجاه و سومین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، باعث شد که نقطه عطفی در روابط ایران با انگلستان و اتحادیه اروپایی شکل یابد. به عبارتی می‌توان گفت که این ملاقات زمینه سفرهای آتی خاتمی به اروپا را فراهم آورد (۱: Hanafi, ۱۹۹۷). در پی حوادث یازدهم سپتامبر، با تغییر نگرش آمریکا به روابط بین‌الملل و تمایل اروپا برای اتخاذ نقشی فعال‌تر در عرصه خارجی، تأکید بر محور تجارت تغییر کرد و جای خود را به اولویت‌های سیاسی و امنیتی داده این امر باعث گردید سیاست خارجی ایران که از زمان انتخاب خاتمی روند صعودی در جهت کسب پرستیژ داشت، روندی معکوس را طی نماید. از این تاریخ، روابط ایران و اتحادیه اروپا که غیرمستقیم تحت تأثیر آمریکا بود به‌سوی موضوع‌ها و مسائل استراتژیک - امنیتی میل کرد. از طرفی پس از سقوط صدام و حضور گسترده آمریکا در منطقه، رابطه اتحادیه با ایران حوزه‌های سیاسی و امنیتی از جمله مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران را در بر گرفت. مسئله شفافیت در فعالیت‌های هسته‌ای ایران، همواره یکی از پیش‌شرط‌های اروپا برای توسعه روابط با ایران بوده است تا جایی که اتحادیه اروپا در ژوئن (۲۰۰۳) انعقاد قرارداد اقتصادی و تجاری با ایران را مشروط به حل مسائل هسته‌ای کرد و نشان داد اروپا در صورت نیاز از اهرم‌های اقتصادی برای حل و فصل برنامه هسته‌ای ایران استفاده خواهد کرد. بنابراین برنامه هسته‌ای ایران به یکی از جنبه‌های مهم در روابط اتحادیه با ایران درآمد و به‌عنوان یک متغیر مستقل، کمیت و کیفیت روابط را تحت تأثیر قرارداد. از طرف دیگر، اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر چون سه دهه گذشته، به موضوعاتی چون حقوق بشر، تروریسم،



روند صلح خاورمیانه و تسلیحات کشتار جمعی در روابط خود با ایران اشاره کرده است. مصادیق حقوق بشر مانند آزادی‌های اساسی، آزادی بیان و عقیده، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌های دینی، آزادی ارتباطات رسانه‌ای، محکومیت مجازات اعدام، انتخابات دهم ریاست جمهوری و ... به‌عنوان موضوعات مستمر و دائمی مورد توجه اتحادیه اروپا اعم از شورا، کمیسیون و پارلمان اروپایی و ریاست دوره‌ای و نمایندگی عالی سیاست خارجی بوده است (بصری و مصطفی، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۱۴). نوع برخورد دولت نهم با پرونده هسته‌ای منجر به قطع مذاکرات ایران و اروپا و نزدیکی اروپایی‌ها به ایالات متحده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد و این مثلث، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت بردند تا از طریق اهرم سیاسی و فشار و تحریم‌های مختلف، جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی کند (قهرمان پور، ۱۳۸۷: ۱۸۵). در این مرحله جدید، کشورهای اروپایی و آمریکا سیاست دوپایه‌ای تشویق و تنبیه را در قبال جمهوری اسلامی در پیش گرفتند. در این فضای بی‌اعتمادی «شورای امنیت» پنج قطعنامه (۱۹۲۹، ۱۸۰۳، ۱۷۴۷، ۱۷۳۷، ۱۶۹۶) علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران صادر کرد. در این قطعنامه‌ها از ایران خواسته شد تا تمام فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و پروژه‌های آب‌سنگین خود را تعلیق کند و در مورد ماهیت برنامه هسته‌ای خود به اعتمادسازی بپردازد. بابت نتیجه ماندن قطعنامه‌ها، در فوریه (۲۰۰۹)، فرانسه، آلمان و انگلیس پیشنهاد اعمال تحریم‌های سنگین‌تر علیه جمهوری اسلامی ایران را مطرح کردند (Guyand other, ۲۰۰۹: ۱).

۴-۴ دوران اعتدال‌گرایی و انتخاب حسن روحانی:

با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ۱۴ ژوئن (۲۰۱۳) و انتخاب رئیس‌جمهور اعتدال‌گرا و پراگماتیسم با مبنا قرار دادن «گفتمان اعتدال و تعامل سازنده با دنیا» بارقه‌ای از امید را برای کشورهای غربی برای بهبود وضعیت علی‌الخصوص برنامه هسته‌ای به وجود آورد. چرا که مذاکرات میان ایران و ۵+۱ طی سال‌های اخیر بی‌نتیجه و ملال‌آور بوده است؛ اما هم‌اکنون زمان مناسب شکوفایی آن فرارسیده است (میر محمدی، ۱۳۹۲: ۱). از همین رو اولویت جدید و متفاوتی نسبت به گذشته در قبال ایران در پیش گرفتند (غلامی، ۱۳۹۲ الف: ۱). پیام‌های تبریک مقامات عالی‌رتبه کشورهای اروپایی به انتخاب دکتر روحانی به ریاست جمهوری و ابراز تمایل برای گفت‌وگو، تعامل و همکاری با کشورمان و پاسخ‌های شایسته و منطقی از سوی رئیس‌جمهور، نوید آینده‌ای بهتر برای مناسبات و همکاری‌های دو طرف را نسبت به دوران قبل می‌دهد. در پیام تبریک کاترین اشتون^۱، نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا آمده است: «اتحادیه اروپا امیدوار است که تحت رهبری جنابعالی فرصت‌های جدیدی برای کار با یکدیگر به‌منظور کاهش تنش‌های منطقه‌ای و ارتقای احترام به حقوق بشر به وجود آید». اشتون همچنین در این پیام آمادگی ۵+۱ برای ادامه گفت‌وگوها با جمهوری اسلامی جهت یافتن راه‌حل موضوع هسته‌ای در سریع‌ترین زمان را اعلام کرده است (مهدی زاده، ۱۳۹۴: ۵۸-۶۵). افزایش شمار سفر مقام‌های اروپایی به تهران و دیدار با مقام‌های عالی‌رتبه کشورمان در حاشیه‌های نشست‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا در تلاش است تا در فضای جدید، روابط نزدیک خود را با ایران باز یابد آن‌گونه که بعد از امضای توافقنامه ژنو در دسامبر (۲۰۱۳) میان ایران و گروه ۵+۱، افزایش قابل توجهی در سفرهای مقامات و هیئت‌های مختلف به‌ویژه هیئت‌های اروپایی به تهران ایجاد شده است و سفر هیئت پارلمانی ایتالیا (۲ ژانویه ۲۰۱۴)، سفر هیئت پارلمانی انگلیس (۶ ژانویه ۲۰۱۴)، سفر یک عضو ارشد پارلمان آلمان (۴ ژانویه ۲۰۱۴) و نیز دیدارهای وزیر امور خارجه ایتالیا و نخست‌وزیر پیشین این کشور از تهران (۲۹ دسامبر ۲۰۱۳) و پیشنهاد غیررسمی برای تأسیس دفتر نمایندگی اتحادیه اروپا در تهران (۲۸ دسامبر ۲۰۱۳) بخشی از افزایش سفر مقامات و



هیئت‌های اروپایی به تهران است (غبیشاوی، ۱۳۹۲: ۱). تصمیم ایران برای شفاف‌سازی بیشتر فعالیت‌های هسته‌ای خود و آغاز روند برچیدن تحریم‌ها علیه ایران، فضای جدیدی را در روابط ایران و اتحادیه اروپا ایجاد کرده است. به دنبال موفقیت ایران در مذاکرات وین، توافق‌نامه ژنو و تفاهم‌نامه هسته‌ای لوزان و برجام بستر لازم برای بهبود روابط دو مجموعه فراهم شده است.

۵- یافته‌های پژوهش:

در این قسمت به دنبال تجزیه و تحلیل فرضیه‌های گفته شده در رابطه با روابط ایران و اتحادیه اروپا بر مبنای رهیافت سناریوسازی هستیم که در قالب سه سناریو پیش‌بینی شده است و به آن‌ها اشاره خواهد شد:

۵-۱- سناریوی اول: تداوم بحران

در این سناریو مفروض آن است که به سبب تضادهای بنیادین در مبانی فکری ایران و اتحادیه اروپا همچنان بحران روابط ادامه یابد و توافقات حاصل شده به نتیجه نهایی نرسد. در این سناریو نقش لابی‌های صهیونیست در به شکست کشاندن دیپلماسی آمریکا در قبال ایران، اختلافات داخلی و تداوم بی‌اعتمادی اتحادیه اروپا از عوامل شکست رویکرد دولت روحانی در نظر گرفته می‌شود.

بنابه سوابق تاریخی - اجتماعی معاصر در ایران در پی دخالت‌های مکرر بیگانگان چون: آمریکا، انگلستان، پرتغال، فرانسه در جامعه داخلی ایران، فرهنگ سیاسی غرب‌زدا در افکار عمومی کشور نهادینه شده است؛ از این رو رویه‌های ضد استکباری و زیاده‌خواهی، استقلال‌خواهی، عزت و سربلندی، بی‌اعتمادی به بیگانگان، آرمان‌گرایی، تلاش برای دست‌یابی به حق مسلم خود در قالب دست‌یابی به چرخه سوخت هسته‌ای در جامعه نهادینه شده است که برآیند آن بی‌اعتمادی شدید در روابط و مناسبات طرفین خواهد گردید. از سوی دیگر همسویی اتحادیه اروپا با آمریکا در اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران به معنای اتخاذ سیاست همسو با آمریکا و صرف‌نظر کردن از منافع اقتصادی خود در ایران می‌باشد این امر بیانگر آن است که کشورهای اروپایی در صدد تعامل با این نظام کاملاً مجزا و مستقل نبوده بلکه در صدد حذف یا حداقل تسلط بر آن می‌باشند. اتحادیه اروپا با نگاهی انحصار‌گرایانه به مبانی بینشی، ارزش‌ها، قوانین و ساختارهای خود و بر پایه معیارهای حقوق بشری غربی عملاً ارزشی برای سایر مکاتب فکری قائل نیست زیرا با این نگرش انحصاری، جایگاهی برای ارزشها و قوانین سایر کشورها باقی نمی‌ماند. چارچوب حقوق بشری که اتحادیه اروپا قائل به آن بوده و ارزش آزادی را درون آن ترسیم می‌کند به‌طور کلی با موازین اسلامی متفاوت است زیرا در این چارچوب جایگاهی برای ارزش‌های متعالی و مذهبی فرا بشری وجود ندارد به‌عنوان مثال، می‌توان به عکس‌العمل کشورهای اروپایی در قبال واکنش مسلمانان در مسئله سلمان رشدی و یا کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر اسلام (ص) و قرآن کریم اشاره نمود. متغیر دیگری که در طول سال‌های گذشته، از یکسو عامل همگرایی اروپا با آمریکا شده و از سوی دیگر به واگرایی میان اروپا و ایران انجامیده است مبحث مبارزه با تروریسم می‌باشد. به نظر اتحادیه اروپا، تروریسم یکی از مهمترین پدیده‌های چالش‌زا برای امنیت و ثبات بین‌المللی است؛ بنابراین هرگونه اقدامی که منجر به تشویق و تشدید این پدیده شود در تعارض با صلح جهانی قرار دارد در این خصوص مهم‌ترین چالش اتحادیه اروپا با ایران به حمایت تهران از برخی گروه‌های فلسطینی نظیر حماس و جهاد اسلامی و نیز ارتباط آن با حزب الله لبنان مربوط می‌شود. اتحادیه اروپا همچون آمریکا معتقد است که هرگونه اقدام گروه‌های فلسطینی که به کشته یا زخمی شدن غیرنظامیان اسرائیلی بینجامد تروریسم تلقی می‌شود. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران ماهیت اقدامات مبارزان فلسطینی را از نوع مقاومت و تدافعی - و نه تهاجمی - می‌داند و معتقد است که این اقدامات در چارچوب اصل دفاع از خود و نیز به‌منظور آزادسازی سرزمین فلسطین



از دست اشغالگران انجام می‌پذیرد. به‌طور کلی تأمین امنیت اسرائیل خواسته اصلی آمریکا و کشورهای غربی در خاورمیانه است و رویکرد غیر از این با شکست روبرو خواهد بود بنابراین در کنار بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران و مبارزه مؤثر با تروریسم مطابق تعریف غرب و دست کشیدن از حمایت گروه‌های مقاومت، حمایت ایران از موجودیت اسرائیل، از جمله شروط گسترش روابط اتحادیه اروپا با ایران است. بر مبنای این سناریو اختلافات ایران و اتحادیه اروپا آن‌چنان عمیق و ریشه‌دار هستند که تغییر و تحول در رأس قوای مجریه هر دو جامعه هیچ تأثیری در بهبود روابط و تعاملات طرفین ندارد.

۵-۲- سناریوی دوم: عبور از بحران:

دو سناریو بعدی بیش‌تر متأثر از فضای ایجادشده داخلی و بین‌المللی در قالب مطرح‌شدن سیاست نرمش قهرمانانه از سوی رهبر انقلاب، روی کار آمدن دولت روحانی و اتخاذ سیاست اعتدال‌گرایی در داخل و تعامل سازنده با جهان خارج است که می‌توان آن را به‌عنوان نقطه عطفی در سطح منطقه و جهان قلمداد کرد. به‌تبع اتخاذ همین نگرش، مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ در قالب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به ثمر نشست.

مطابق با سناریو عبور از بحران، با پیروزی روحانی در انتخابات بر مبنای گفتمان اعتدال به‌عنوان یک خواسته اکثریتی در جامعه و با ملاحظه مجموعه عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی پیش‌بینی می‌شود، در روابط ایران با اتحادیه اروپا تغییراتی حاصل شود. از آنجایی که در دولت هفتم و هشتم هم یکی از مباحث پیچیده ایران با اتحادیه اروپا، بحث انرژی هسته‌ای بود و دولت وقت تصمیم‌گیری در مورد آن را بر عهده شورای عالی امنیت ملی به ریاست حسن روحانی و ظریف داده بود، توانست اعتماد غرب و دولت‌های اتحادیه اروپا برای ایران هراسی را از بین ببرد. به دنبال اتخاذ سیاست‌های واگرایانه و مقاومت محور دولت نهم و دهم، مناقشات ایران و اتحادیه اروپا وارد مراحل تازه‌ای گردید به‌طوری که قطع روابط دیپلماتیک طرفین را در پی داشته است و به سایر ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هم کشید شد. بر همین مبنای شاهد بودیم که سران اتحادیه اروپا در سیاست اقتصادی - تنبیهی آمریکا علیه ایران، همراهی کردند. در رأس کار قرار گرفتن حسن روحانی که مورد اعتماد هر دو گروه سیاسی موجود در داخل کشور است و از سوی دیگر انعقاد معاهده برجام میان ایران و کشورهای ۵+۱، فرصتی برای بازتعریف نوع روابط ایران و اتحادیه اروپا فراهم گردید.

این دولت با تأکید بر دو عنصر اساسی تحرک در سیاسی خارجی، مشارکت با اعضای اتحادیه اروپایی از یک طرف و همکاری مستمر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سوی دیگر به دنبال اتخاذ استراتژی‌های جدید برای تأمین هرچه بیشتر منافع ملی است. در این باره باید گفت که اتحادیه اروپا به‌عنوان یک مجموعه در حل مشکل هسته‌ای ایران، نقشی مثبت ایفا کرد؛ از سوی دیگر رئیس‌جمهوری ایران پس از اجرایی شدن برجام تصمیم گرفت به اروپا سفر کند و نخستین مقصد او نیز ایتالیا، واتیکان و فرانسه بود که پس از اقدامات اخیر در روابط دو کشور بی‌سابقه بود. به دنبال سفرهای متعدد مقامات بلندپایه سیاسی - دیپلماتیک و هیئت اقتصادی - تجاری از اروپا به تهران و بالعکس در دوره پسابرجام، بستر مناسب را برای تقویت گفتگوهای سازنده، دوره‌های جدید از روابط و همکاری‌ها و عبور از مرحله بحرانی که در دولت گذشته رخ داده بود میسر کرد. در این باره می‌توان به سفر مقاماتی چون زیگمار گابریل معاون صدراعظم آلمان، لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه، پائولو جنتیلونی وزیر خارجه ایتالیا، فیلیپ هاموند وزیر خارجه بریتانیا و فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، هاینس فیشر رئیس‌جمهور اتریش و... به ایران اشاره کرد.



دستگاه دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا می‌توانند با مینا قرار دادن اصل سرریز، شفافیت، اعتمادسازی طرفین، انعطاف و مینا قرار دادن اصل مزیت نسبی و نگرش عقلانی در تعاملات و مناسبات سیاسی - اقتصادی خود، پذیرفت اصل واقعیت‌گرایی و اهمیت جلوه دادن نقش همدیگر در تحولات منطقه‌ای - بین‌المللی در دوره پسابرجام، از آینده نامطمئن و غیر مرجح و میزان تصمیم‌سازی‌های آنی و لحظه‌ای جلوگیری کنند و به بهتر شدن و تداوم روابط مسالمت‌آمیز خود کمک کنند.

با همه این اوصاف نکته مهم آن است که همه آن ملاحظات و مسائلی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به‌زعم اتحادیه اروپا مانع همگرایی و همکاری‌های بیشتر میان طرفین شده بود از قبیل اختلاف‌نظر و تفسیر متفاوت بر سر موضوعاتی چون حقوق بشر، گستره آزادی‌های مدنی و مسائل حقوق بشری، تعریف از تروریسم و نهضت‌های آزادیبخش، تقویت توان موشکی و تسلیحاتی و... همچنان پابرجا هستند. اما با حاکم شدن شرایط جدید در ایران پس از توافق هسته‌ای می‌توان به پایان یافتن مرحله بحران میان طرفین امیدوار بود؛ اما این به معنای روند عادی شدن روابط نخواهد بود.

۵-۳- سناریوی سوم: عادی شدن روابط، تعامل و همکاری:

بر مبنای این سناریو درحالی‌که سیاست دولت‌های قبلی عمدتاً معطوف به موضوعات فرهنگی داخلی بود؛ در دوران کنونی، نیاز و منافع رو به رشد همه‌جانبه در ایران می‌طلبد که اقدام قاطعی در جهت حل مسائل اقتصادی صورت پذیرد که این امر البته مستلزم حضور فعال در سطح منطقه و جهان، همکاری فناوری - تجاری با قطب‌های برتر منطقه و جهان و... است. اتحادیه اروپا یکی از مناطق کلیدی است که می‌تواند در حوزه اقتصادی، تجاری و تکنولوژیک شریک قابل‌ی برای ایران باشد؛ این امر از آنجاست که اتحادیه جایگاه کلیدی ایران در صلح و ثبات منطقه را به رسمیت شناخته است

در مجموع، واکنش مقامات اروپایی نشان‌دهنده استقبال آن‌ها از ریاست جمهوری روحانی و امیدواری آن‌ها به آغاز دور جدیدی از مناسبات حسنه ایران و اروپاست. در حقیقت نقش و جایگاه منطقه‌ای ایران و جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل ضرورت‌های متقابلی برای برقراری یک رابطه مناسب و همه‌جانبه میان طرفین را به وجود آورده است. اهتمام اتحادیه برای ایجاد نظامی چندجانبه‌گرا در سطح جهان، بازار ۸۰ میلیونی، جایگاه ژئواستراتژیکی - ژئوپلیتیکی، نفوذ سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روند صلح و امنیت خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و... از جمله مؤلفه‌های مهمی هستند که بر اهمیت جایگاه ایران نزد اتحادیه اروپا افزوده است (سنائی و رحمتی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۷۲). به عبارتی اتحادیه اروپا تحت تأثیر انگیزه‌های مختلف نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی، افزایش نفوذ در منطقه، مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، مبارزه و توقف با ترانزیت مواد مخدر، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ایفای نقش یک قدرت بین‌المللی اثرگذار در سطح منطقه و جهان؛ تلاش می‌کند تا روابط سیاسی خود را با تهران گسترش دهد (سنایی و رحمتی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

در مقابل ایران نیز در راستای بهره‌گیری از نفوذ اقتصادی اتحادیه اروپا در تجارت بین‌الملل، مجامع و سازمان‌های بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تسهیل دسترسی به بازارهای اروپایی به دنبال اتخاذ سیاست استراتژی توسعه صادرات غیرنفتی، استفاده از قدرت سیاسی و بین‌المللی آن در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای - بین‌المللی، استفاده از تکنولوژی‌های جدید و دانش نوین اعضای اتحادیه اروپا، کم‌اثر ساختن فشارهای سیاسی - اقتصادی واشنگتن به‌ویژه در زمینه پرونده هسته‌ای، به دنبال گسترش روابط خود با اتحادیه اروپاست. به دنبال پیروزی گفتمان اعتدال‌گرایی در ایران و فرجام براجام، طرفین به تعامل جدیدی مبتنی بر همکاری متقابل در قالب بازی برد - برد با یکدیگر اقدام نموده‌اند. با توجه به



اهداف کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مدنظر سند چشم انداز ۱۴۰۴ که موقعیت برتر در سطح منطقه را پیش‌بینی کرده است؛ می‌توان گفت ارتباط و تعامل گسترده با قدرت‌های منطقه‌ای - بین‌المللی چون اتحادیه اروپا، در تسریع دستیابی به اهداف فوق کمک خواهد کرد.

باید گفت که مسئله حقوق بشر یکی از عناصر اصلی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا، نقش عمده‌ای در تنظیم روابط و مناسبات این اتحادیه با کشورهای ثالث دارد. این اتحادیه در مقاطع مختلف، پیشرفت روابط با جمهوری اسلامی ایران را مشروط به بهبود و تقویت دموکراسی و حقوق بشر در ایران کرده است. مسائلی همچون آزادی مطبوعات، حاکمیت قانون، رعایت حقوق اقلیت‌ها از مهم‌ترین محورهای خواسته‌های مقامات این اتحادیه با تهران در زمینه حقوق بشر بوده است. البته نکته قابل تأمل آنکه اگر چه دیدگاه یکسان اروپا و آمریکا در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران را به‌نوعی می‌توان ناشی از اشتراک آن‌ها در ترجیحات هنجاری برخاسته از آموزه‌های سیاسی لیبرالیسم دانست اما روابط خارجی ایران با کشورهای اروپایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیرغم فراز و نشیب‌های سیاسی متعدد و پیشامدهای بحران‌های متعدد، منجر به قطع روابط سیاسی این اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران نبوده‌ایم بلکه تنها به سیاست تحریم اکتفا کردند. این امر گویای این مطلب است که سیاست خارجی اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان همسو و پیرو با ایالات متحده دانست. به‌طور کلی اتحادیه اروپا به‌منظور پیشبرد اهداف حقوق بشر و روند مردم‌سالاری در روابط خارجی از ابزارهای مختلف دیپلماسی، نمایندگی‌های دیپلماتیک در کشورهای ثالث، قطعنامه‌ها و مداخلات در چارچوب سازمان ملل استفاده می‌کند. بر مبنای این سناریو که واجد رویکردی آرمانی و ایده‌آلیستی است. ضرورت‌های جدید پیش رو در عصر حاضر، جمهوری اسلامی را به سمتی خواهد برد که در آن روند دموکراسی بیش‌ازپیش بهبود یابد و احترام به حقوق بشر در ایران به‌نوعی نهادینه شود. شرایط ویژه کنونی که پس از توافق هسته‌ای میان ایران و غرب ایجاد شده است، برگزاری انتخابات متعدد پارلمانی، رشد علمی و تحصیلاتی در ایران و... لزوم همگرایی میان دو طرف را بیش‌ازپیش ضروری ساخته است.

۶- نتیجه‌گیری:

در رابطه با تعامل اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که کشورها صرف‌نظر از ابعاد داخلی، با ابتنا به اصل مزیت نسبی و وابستگی متقابل، در خارج از مرزهای خود دارای منافع فراوانی هستند. از این‌رو معمولاً کشورها و مناطقی که دارای موقعیت ژئواکونومیکی، ژئو استراتژی و ژئوکالچری منحصر به فرد هستند، بیش از دیگران نگاه‌ها را به‌سوی خود جلب می‌نمایند. از این رو ارتباط ایران و اتحادیه اروپا برای طرفین، منفعت‌هایی دارد که برجام فرصت مناسب برای شکوفایی آن را فراهم کرده است.

اتحادیه اروپا به‌عنوان قطب برتر اقتصادی - تجاری در سطح منطقه و جهان برای چرخاندن چرخ کارخانه‌های تولیدی - صنعتی خود وابستگی شدیدی به منابع زیرزمینی - فسیلی نفت و گاز دارد که عمدتاً از سوی روسیه تأمین می‌شود. به دنبال تحولات منطقه‌ای - بین‌المللی از قبیل حوادث اکرابین و شرق اروپا، تلاش هم‌زمان مسکو - ناتو برای نفوذ در شرق اروپا و خاورمیانه، و رشکستگی بسیاری از صنایع در کشورهای اروپایی، استفاده روسیه از نفت و گاز به‌عنوان اهرم فشار علیه اتحادیه اروپا، حاکمیت اصل رقابت و آناژشی در سطح روابط بین‌الملل و... از جمله مؤلفه‌هایی هستند که اتحادیه اروپا را به فکر کاستن از وابستگی به سوخت‌های فسیلی در وهله اول و یافتن منابع جایگزینی مانند ایران در وهله دوم انداخته است؛ امری که می‌تواند به بهبود اوضاع نه‌چندان مطلوب اقتصادی حاکم بر این کشورها کمک



کند. از سوی دیگر اتحادیه اروپا از جهات مختلف برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت است از جمله مبارزه با قاچاق مواد مخدر، کالا و انسان، استفاده از تجربه و همکاری اروپایی‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم، محیط زیست و پتانسیل بالای آن‌ها در حوزه‌های پزشکی، صادرات نفت و فروش کالاهای غیرنفتی و... از این جمله‌اند.

پیروزی انقلاب اسلامی، اشغال سفارت آمریکا در تهران و حمایت اروپا از عراق در جنگ ایران و عراق، هرچند بر روابط طرفین اثر منفی برجای گذاشت، اما مناسبات اقتصادی کشورهای اروپایی و ایران کم‌وبیش ادامه یافت. بحران ناشی از صدور فتوای قتل سلمان رشدی و نیز بحران صدور حکم دادگاه میکنونوس روابط طرفین را برای مدت‌زمانی دچار مشکل کرد اما نیازها و منافع مشترک مجدداً آن‌ها را به یکدیگر نزدیک ساخت. دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی اوج مناسبات دوستانه دو طرف بود که با مسئله پرونده هسته‌ای ایران دچار نوساناتی شد.

با به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد و اتخاذ سیاست واگریانه و تغییر استراتژی هسته‌ای، مناسبات دو طرف را تیره و تار کرد؛ به گونه‌ای که اروپا سرانجام در ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت در کنار آمریکا قرار گرفت و شدیدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال نمود. روی کار آمدن حسن روحانی و مطرح کردن سیاست اعتدال، تنش‌زدایی و گسترش فضای اعتماد ساز، مرحله جدیدی از مناسبات ایران و اروپا را در پی داشت. اروپا از فضای جدید به دست آمده استفاده لازم را برد به طوری که خانم کاترین اشتون و بعداً موگرینی مسئول اتحادیه اروپا نقش کلیدی به ثمر رسیدن مذاکرات فشرده ایران با گروه ۱+۵ داشتند. پس از این توافق هم شاهد رفت و آمدهای متقابل وزرا، دیپلمات‌ها، گروه‌های تجاری - اقتصادی بوده‌ایم

در جریان ارتباطات ایران و اتحادیه اروپا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران باید اشاره کرد که تروریسم، حقوق بشر، سلاح‌های کشتار جمعی و گفت‌وگوهای صلح خاورمیانه از مهم‌ترین متغیرها و عوامل مؤثری بودند که سبب شده‌اند علی‌رغم نیازمندی‌های استراتژیک دو طرف به یکدیگر، روابط آن‌ها همواره در سایه و حاشیه باشد و از سطح گفت‌وگو فراتر نرود؛ اما جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اروپایی با وجود تعارضات ساختاری و تفاوت‌های فرهنگی، ارزشی و داشتن تعاریف بعضاً متفاوت از مقولاتی نظیر امنیت، عدالت، آزادی، حقوق بشر و تروریسم، به دلیل پیوند خوردن منافع ملی و اقتصادی دوطرفه همواره به دنبال عبور از موانع بحران‌های موجود در سر راه بوده‌اند. این امر به دنبال روی کار آمدن دولتی که سیاست اعتمادسازی را سرلوحه کاری خود قرار داده است و به دنبال فرجام برجام، بیشتر از پیش طرفین برای رسیدن به یک توافق متقابل در قالب برد - برد جهت تأمین هر چه بهتر منافع داخلی و خارجی خود ترغیب کرده است.

چالش‌ها و فرصت‌های فراوانی پیش روی روابط جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا وجود دارد که این عوامل می‌توانند احتمالاتی را در آینده روابط دو طرف به وجود آورد. در این پژوهش نگارندگان سه سناریوی محتمل در آینده روابط دو طرف پرداخته است. واقعیت این است که با توجه به بهبود مناسبات دیپلماتیک و افزایش سفر مقامات اروپایی به کشورمان پس از روی کار آمدن دولت یازدهم و متعاقب آن توافقات هسته‌ای، سناریوی «بحران» در روابط کم‌رنگ‌تر از دو سناریوی دیگر به نظر می‌رسد. هم‌چنین تحلیل روابط دو طرف در گذشته نشان می‌دهد که تصور آینده‌های مطلوب و ایده آل که در سناریوی «روابط عادی و حسنه» مورد نظر است در قالب روابط ایران و اتحادیه اروپا نمی‌گنجد و روابط دو طرف هنوز به این صورت نهادینه نشده است، هم‌چنین نگاه ایالات متحده به روابط ایران و اتحادیه اروپا چالشی است و بر چگونگی روابط دو طرف سایه افکننده است؛ بنابراین نمیتوان انتظار آینده‌ای مطلوب و ایده آل را در نظر داشت. با توجه به مطالب مطرح شده نظر نگارنده بر وقوع سناریوی دوم یعنی «عبور از بحران»



است که بیشتر به واقعیت نزدیک است. همچنان که در دوران قبل (دولت هفتم و هشتم) شاهد این روابط بودیم و علی‌رغم گفت‌وگوهای سازنده‌ای که بین دو طرف به وجود آمد، روابط دو طرف به سمت مطلوب و ایده آل پیش نرفت و باروی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد دوباره در روابط دو طرف بحران جدی به وجود آمد.

باروی کار آمدن دولت حسن روحانی و گفتمان اعتدالی، چشم‌انداز روابط بین ایران و اتحادیه اروپا از «بحران» به سمت «عبور از بحران» است. یکی از عوامل عمده در تسریع روابط دو طرف روند افزایش مبادلات تجاری و صادرات انرژی است. لذا، تصور بهبود روابط ایران با اتحادیه اروپا در سال‌های آینده چندان دشوار نیست؛ اما واقعیت این است که تحقق این موضوع ارتباط نزدیکی با برنامه هسته‌ای ایران و حذف تحریم‌ها دارد.

به دنبال فرجام برجام در مذاکرات فشرده با شش قدرت برتر جهان، به رسمیت شناختن حقوق مسلم هسته‌ای کشور در سطح منطقه و جهان، حذف تحریم‌های قانونی شورای امنیت، خنثی کردن ایران هراسی به‌عنوان مخل نظم، صلح و امنیت جهان در افکار عمومی، بستر مناسب برای گسترش نفوذ و اقتدار ایران در سطح منطقه و جهان فراهم شده است. همین موضوع اصلی‌ترین عامل نگرانی اسرائیل و سایر رقبای ایران در منطقه چون عربستان و ترکیه و... شده است و آنان تلاش خواهند کرد از طریق اقدامات گوناگون جلوی ارتباط سازنده و تعامل گسترده منطقه‌ای - بین‌المللی ایران را بگیرند. دستگاه دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تفاوت قائل شدن در تاکتیک‌ها، اولویت‌ها و رویکردها، شناخت منطقی و عقلایی و مبنا قرار دادن حوزه دیپلماسی، اتحاد و انسجام داخلی و... بر معضلات و مشکلات داخلی - بین‌المللی فائق آید.

اتحادیه اروپا اینک به‌عنوان یک ساختار مجزا و مستقل دارای ابعاد حقوقی، سیاسی و نهادی است. درک صحیح و همه‌جانبه این ابعاد از سوی مسئولین سیاست خارجی و لحاظ کردن این ملاحظات در رویکرد جمهوری اسلامی ایران به اتحادیه اروپا می‌تواند زمینه درک درست و جامع را فراهم کند و زمینه را برای تقویت روابط مهیا نماید. معادله قدرت، همکاری بر اساس قواعد سیاست بین‌الملل، نهادها و رژیم‌های بین‌المللی را می‌توان در زمره مؤلفه‌هایی دانست که زمینه‌های لازم را برای عبور کم‌هزینه در روندهای آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر می‌سازد. تحقق چنین اهدافی نیازمند چند نکته است.

۱- دستگاه دیپلماتیک کشور برای حل نیازهای تاکتیکی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران باید از برنامه‌هایی استفاده کنند که نخست انعطاف‌پذیر و در عین حال مقاوم بوده (نرمش قهرمانانه)، دوم از پیچیدگی راهبردی برخوردار باشد، سوم معطوف به حل مشکل باشد، چهارم مبتنی بر نشانه‌هایی از مصالحه در قالب کنش عملگرایانه شکل گیرد که منجر به کسب نتیجه برد - برد در سیاست خارجی و فرایندهای امنیت راهبردی بازیگران دخیل در بحران‌های منطقه ای شود.

۲- هرگونه کنش راهبردی بدون توجه به سیاست‌های معطوف به حل مسالمت‌آمیز اختلافات که نشانه‌هایی از مشارکت، همکاری، مصالحه، مقاومت و امنیت در خود داشته باشد، نمی‌تواند مطلوبیت‌های راهبردی مؤثری برای دولت جدید ایجاد کند.

۳- مهمترین ضرورت تیم جدید سیاست خارجی طرفین باید معطوف به فرایندی باشد که اعتمادسازی را به موازات تحقق اهداف راهبردی پیگیری کند. غفلت از دو نشانه یادشده مانع از تحقق اهداف دیپلماتیک و راهبردی دولت جدید می‌شود.

۴- بهره‌گیری از الگوی تعامل همه جانبه می‌تواند مطلوبیت‌هایی را برای عبور از تهدیدهای موجود



فراهم سازد. در حالی که چنین فرایندی در دستور کار بازیگران مسلط در سیاست بین‌الملل نخواهد بود. در چنین شرایطی، چالش‌ها و دشواری‌های بیشتری فراروی کادر اجرایی و مشورتی دستگاه دیپلماسی ایران ایجاد می‌شود. برای غلبه بر چنین دشواری‌هایی لازم است از الگوی کنش موردی و بهره‌گیری از سازوکارهای تفکیک موضوع‌های مورد اختلاف استفاده شود. پی‌گیری هر موضوع در وضعیت تفکیک‌شده از دیگر مسائل اختلاف‌برانگیز و بحران‌ساز، روند تدریجی حل و فصل اختلافات را امکان‌پذیر می‌سازد.

۷- منابع و مآخذ:

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸) **سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی**، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی.
- اساکول، پی (۱۳۸۴)، **روش‌های مطالعات آینده‌پژوهی**، ترجمه سعید خزائی مرکز آینده‌پژوهی علوم و صنایع دفاعی، معاونت اطلاع‌رسانی و خدمات علمی تهران.
- اسکندریان، مهدی (۱۳۸۳)، **هویت و روابط ایران و اتحادیه اروپایی**، کتاب اروپا (۳)، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، تهران: ابرار معاصر تهران.
- اکرامی، موسی (۱۳۷۶)، «آینده‌شناسی و آینده‌نگری»، **رهیافت**، شماره ۱۶، تابستان و پاییز.
- آقا قزوینی، نازلی (۱۳۹۱)، «سناریو نگاری یا برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو»، **نشریه تخصصی مدیریت**، سال دوم، شماره ۱۳.
- آقایی، سیدداود (۱۳۸۶) **اتحادیه اروپایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: انتشارات سرای عدالت.
- بزرگمهری، مجید، زهرا رحیم‌آبادی (۱۳۹۱)، **بررسی نقش اتحادیه اروپا در پرونده هسته‌های ایران، ایران و اتحادیه اروپا (جلد ۱)**، ابرار معاصر تهران.
- بصری، محمدعلی و محمدقاسمی (۱۳۸۵)، «مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران»، **مجله سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۲۵-۲۲۶.
- پایا، علی (۱۳۸۲)، «ملاحظات شتاب‌زده در باب معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی»، **مندرج در پایا، علی و راغفر، حسین**، ملاحظات شتاب‌زده در باب معرفت‌شناسی آینده‌اندیشی، **نخستین کارگاه آینده‌اندیشی: معرفت‌شناسی**، تهران، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- پایا، علی (۱۳۸۳)، «معرفت‌شناسی آینده‌اندیشی»، تهران: **خردنامه همشهری**.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲) **ایران و اروپا: از گفت‌وگوی انتقادی تا گفت‌وگوی مشروط**، کتاب اروپا (۲) **ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا**، تهران: شورای غیردولتی روابط خارجی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- جعفریان، سجاد (۱۳۸۹)، ایران آزمایشگاه سیاست خارجی اروپا، پرتال جامع سیاسی سیاست ما، **کد مطلب: ۱۱۵۷**، در <http://www.siasatema.com/Nsite>
- حاج لو، محمدحسین (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل و موانع توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در چهارچوب گفتمان‌های سیاست خارجی»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۳۱، پاییز ۹۱.
- حاجلو، محمدحسین (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر جایگاه اتحادیه اروپایی در دو گفتمان توسعه‌طلبانه سیاست محور آرمان‌گرایی عدالت محور»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی** - شماره پانزدهم - تابستان ۱۳۹۰
- حق‌شناس کاشانی، نیلوفر (۱۳۷۴) **اروپای واحد و روابط آن با ایران**، تهران: معاونت امور اقتصادی



وزارت امور اقتصادی و دارایی.

حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۹۰)، «نظریه‌ی زمان و آینده‌پژوهی بر اساس نظریه‌ی فهم و درک»، **مطالعات مدیریت راهبردی**، شماره‌ی ۶، تابستان.

خالوزاده، سعید (۱۳۸۵)، **ارزیابی گفت‌وگوهای سازنده بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا؛ نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

خالوزاده، سعید (۱۳۹۰ ب)، «نقش آفرینی اتحادیه اروپا در پرونده هسته‌ای ایران»، کتاب اروپا ۱۰، ابرار معاصر تهران، فروردین ۱۳۹۰.

خالوزاده، سعید و توحید افضلی (۱۳۹۰)، «رویکردهای اتحادیه اروپا در قبال ایران»، کتاب اروپا ۱۰، ابرار معاصر تهران فروردین ۱۳۹۰.

سنائی، اردشیر، رومپسا رحمتی مقدم (۱۳۹۴) روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم، **پژوهشنامه روابط بین‌الملل**، دوره ۸: شماره ۲۹: ۱۴۵-۱۷۸

سنگه، پیتز (۱۳۸۳)، «**رقص تغییر**»، ترجمه حسین اکبری و مسعود سلطانی، تهران: آریانا. طارمی، کامران، مرادی ایرج (۱۳۹۳) بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا در

سه دهه اخیر، **پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل**، دوره ۷، شماره ۲۸: ۱۳۳-۱۶۶
عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۸)، «مطالعه نظری سیاست خارجی دوجانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، شماره ۸.

غیثشاهی، خدیجه (۱۳۹۲)، دولت روحانی و فصل جدیدی از مناسبات دیپلماتیک ایران - اروپا، در **www.asriran/fa/news/۳۱۳۸۴۲**) دی‌ماه ۱۳۹۲.

غلامی، طهمورث (۱۳۹۲ الف)، **تعامل غرب با ایران در پرتو گفت‌وگوهای اعتدال‌گرایی**، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.

فلاحی، علی (۱۳۸۲)، «سویمندی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اتحادیه اروپا»، **مجله راهبرد**، شماره ۲۷.

فلاحی، علی (۱۳۹۰)، «تأثیر تحریم‌های اقتصادی غرب بر روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا»، **کتاب اروپا ۱۰**، ابرار معاصر تهران فروردین ۱۳۹۰.

قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۷)، **رویکرد قدرتهای بزرگ به پرونده هسته‌ای**، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

کورنیش، ا (۲۰۰۴)، «**آینده‌پژوهی پیشرفته**»، ترجمه سعید ملکی فر تهران: اندیشنده صنعت و فناوری: گروه آینده‌پژوهی و دیده‌بانی.

محمودی، بهزاد (۱۳۸۵)، معرفی آینده‌پژوهی و روشهای آن، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱. محمودی، مهدی، عطا عباسی (۱۳۸۴)، «**آینده‌پژوهی و نقش آن در سیاست‌گذاری علم و فناوری**»، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

ملکی، عباس (۱۳۸۵)، «برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو: راهی برای کم کردن آفات تصمیم‌گیری»، **تهران: راهبرد یاس - شماره ۸**.

ملکی فر، عقیل (۱۳۸۶)، «الفبای آینده‌پژوهی»، **مطالعات بسیج**، سال ۱۰، شماره‌ی ۳۴، زمستان.

مهدی زاده، روح‌الله (۱۳۹۴) چالشها و فرصتهای پیش روی روابط ایران و اتحادیه اروپا در دولت حسن روحانی، **پایاننامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان**

بزرگی، وحید (۱۳۸۸) **دیدگاه‌های جدید در روابط بین‌الملل: تاویل‌گرایی، پسانوگرایی و نظریه انتقادی**، تهران: نشر نی



- Bell, Wendell, (2003), *Foundation of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge (Human Science for New Era)*, London: Transaction Publishers.
- Inayatullah, Sohail, (2008), *Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation*, Tamkang University Press: Graduate Institute of Futures Studies.
- Ringland, Gill (1998); *Scenario Planning: Managing the Future*; New York: John Wiley and Sons.
- Hanafi Khalid, (1997) "Anglo-Iranian: Tow - falsehopeor gevine progress", Gulf Report, November, , to the west, How, when and why, In: <http://www.washingtonintitute.org/pubs/exec/patex>. Ec.p.1.
- Schwartz, Peter;(1999) *The Art of the Long View: Planning for the Futurein the Uncertain World*; New York: John Wiley and Sons.
- Inayatullah, Sohail. (1993).” From ‘Who am I!?’ To ‘When Am I !?’”, Framing the Shape and time of the future”. *Futures*, April 1993: 235-253.
- Inayatullah, Sohail.(1998) “Causal Layered Analysis, Poststructuralism as method”. *Futures*. 30 (8): 815-829
- Martin, J.(1982); “Stories and scripts in organizational settings”; in A. Hastrof & A. Isen (eds), New York: Elsevier.
- Porter, Michael (1985); *Competitive Advantage*; New York: The FreePress.
- Swap, W.; D. Leonard & M Shields; “Using mentoring and storytelling tottransfer knowledge in the workplace; *Journal of ManagementInformation Systems*; 18(1) (2001), P. 103
- Fahey, Liam & Robert M. Randall (1998); *Learning form the Future;Competitive Foresight Scenarios*; New York: John Wiley and Sons.
- Guy, D., Bozorgmehr, N., & Barker, A. (2009, February 25). EU Trio targets tougher Iran sanctions, *Financial Times*

Archives of SID